عبدالقیوم میرزاده ۲۰۲۱/۰۷/۰۵

کتاب

زنان

و مشکلات فرا روی شان در جامعهٔ افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت چهل ویکم)

نقش منفی محافظه کارانه خود زنان برای جلوگیری از دستیابی به حقوق و آزادی زن از قید اسارت

همانطوریکه در مباحث قبلی در باره نقش زنان دررعایت سنت ها و ادامه دهند گان بسیار فناتیک فرهنگ مرد سالاری در جامعهٔ افغانی توضیحات ارائه کردم میخواهم این سلسله را با تأمل بیشتر به کنکاش بگیرم.

زن جامعهٔ ما از آوان زنده گی مشترک اش با شوهر همیشه در تلاش این است تا با به دنیا آوردن فرزند پسر خود را خوشبخت خانواده جا بزند. در حالیکه با این کار سند محکومیت اش را منحیث زن برده تسجیل میکند. با این کارش جایگاه پسریا مردانه را این زن است که در خانواده برتر میسازد. اکثریت قریب به اتفاق زنان کشور ما پسران خانواده را برتر از از دختران خانواده شمرده و پسران شان را تفتیش و یا پلیس خانواده گی برای کنترول اعضای مؤنث خانواده مقرر میکنند. آنها از پسران

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

خویش میخواهند خواهران شان را زیر نظر داشته باشند تا دست از پا خطا نکنند، آنها از پسران شان میخواهند تمام آزادی های خواهران شان را سلب و عقاید شان را تفتیش کنند. از این جا پسران خانواده به این باور و احساس میرسند که حاکم زنان جامعه آنها هستند و شعار های (زن ناقص العقل) از همین جا به رونق مینشیند ومردان خود را در جایگاه عقل کُل میپندارد. زیرا زن یا مادر این منصب را برای پسران خانواده اعطا کرده است و سند محکومیت دخترانش را در قید اسارت مردان امضأ میکند. این ها همه به سنت جامعه بدل گشته اند و هیچ کس سنت شکن نمیگردد حتی اگر این سنت به قیمت جان هزاران زن در جامعهٔ ما تمام گردد. قیمت را که زنان جامعهٔ ما در نبود ازادی، تأمین حقوق برابر انسانی و انواع تبعیض ها میپردازند بسیار هنگفت و به قیمت عقب مانی همه عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی کُلِ جامعه تمام گشته است. از همین جاست که دوره های تولید و باز تولید فرهنگ مرد سالار به همکاری داوطلبانهٔ زنان در جامعهٔ ما هیچگاه نمی ایستد و کماکان به سیر خویش ادامه میدهد. در نتیجه این همکاری بی شایبه ای زنان، دختران و بانوان تازه وارد میدان استبداد خون آشام مرد سالاری به ستوه آمده و در شرایط همکاری مادران و مادر شوهران (خشو ها) شان دیگر صبر و تحمل شان لبریز شده و دست به خود کُشی میزنند. در سالهای واپسین خود سوزی دختران جوان و زنان رسم جدید یست که احتمالاً مهاجران افغان بر گشته از ایران از آنجا با خود به ارمغان آورده اند. زیرا حوادث خود سوزی های دختران و زنان از دیر زمانی در ایران معمول بوده است. عوامل این همه ظلم و ستم بر زنان را طی جستار های قبلی توضیح کرده ام، در این مبحث بیشتربه نقش منفی و محافظه کارانهٔ زنان در راه دستیابی به آزادی و رهایی از قید اسارت مرد سالاری میپردازم.

آن بانوی جوان که زنده گی را با صد ها آرزو های انسانی برای یک زنده گی خوشبخت بازهم برویش بنزین میریزد و خود را درمحضر همهٔ خانواده آتش میزند، آن دختر که تازه بهاران جوانی اش را به نظاره نشسته و به چه رویا هایی شیرینی که نمی اندیشد رگ دستش را میزند و یا با ادویه مرگ موش و یا ادویه جات دیگر به زنده گی اش پایان میبخشد، آن خانم تازه عروس که چند ماه از زنده گی مشترک اش نگذشته و با هزاران امید و آرزوی زنده گی خوشبخت پا به خانه شوهر گذاشته است خود را از بلند ترین نقطه منزل مسکونی اش بزیر پرتاب میکند و در یک چشم به هم زدن با این زنده گی وداع میکند و صد ها همچو نمونه هایی واکنش تراژید صفحات روزنامه ها، جراید، اخبار و گزارشات رادیویی و تلویزیونی و صفحات رسانه های اجتماعی را پُر کرده است. در حالیکه این ها نمونه های بسیار کوچک آن تراژیدی بزرگی است که روزانه بر سر نیمی از باشنده گان کشور ما یعنی زنان جریان دارد و بنابر فرهنگ مسلط حیثیت، آبرو، وقار، عزت و احترام خانواده گی، شرم، حیأ، سیال شریکی، اودر زاده گی و ده ها دلیل دیگر حتی همسایهٔ پهلو از آن اطلاع حاصل نمیکند. این جنازه ها را بنام اینکه میگرین داشت از بام خود را پاهین انداخت، در موقع دوشیدن گاو بر شکمش لگد زد، هنگام نان پختن در تنور افتید و صد ها بهانه دیگر خاموشانه دفن میکنند. آیا در خانه ای که چنین اتفاقات تراژید جان زنان جوان آن خانواده را میگیرد زنانی دیگر وجو ندارد؟ اگر وجود دارد پس چرا این زنان حد اقل کمک بر همنوعان شان نمیکنند؟ و یا اینها همه لال و گنگ و کور اند؟ نخیر همه هم میشنوند، هم میبینند، هم احساس میکنند. مگر این ها به مشتی انسانهای محافظه کار و همکار سلطهٔ مرد سالاری تبدیل شده اند که اراده شان برای حفظ فرهنگ و عنعنات مسلط بر جامعه و حفظ آبرو وعزت خانواده میباشد و بس. از همین رو دختری که یگانه تکیه گاهش مادرش است وقتی میبیند

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

مادرش با جلادان دیگر خانواده و خارج از آن یکجا ریسمان او را گرفته و بطرف کشتارگاه میبرند دیگر زنده گی برایش پوچ و بی معنی میگردد. آن خانم جوان تازه عروس مظالم مادر شوهر (خشو) که هر روز برایش دسیسه تازه طرح کرده هم خودش و هم همهٔ اعضای خانواده بروی ستم روا میدارند دیگر امید اش از همه جا قطع میگردد زیرا مادرش نیز طی پیامی بسیار غیر انسانی و غیرعاطفی برایش گوشزد کرده است که او مال مردم است و آنها با وی دیگررابطه ندارند برای این بانوی نا امید از انسان و انسانیت جهان به ماتم کده ای سیاه تبدیل شده و زنده گی وی در همان اوان جوانی مرگ را صدا میزند. بر دختری تجاوز شده و در نتیجه آن تجاوز دختر معصوم حمل گرفته و باردار شده است تنها مادر دختر از جریان آگاه میباشد او بخاطر حفظ آبرو و حیثیت خانواده اش یا خودش دخترش را میکشد و یا دخترش را مجبور به خودکشی میگرداند. اکثریت زنان کشور ما محصور و اسیر ذهنیت متعصب مذهبی و ساخته و بافته فرهنگ مرد سالاری میباشند این اسارت محافظه کارانه زنان کشور ما مانع بسیار بزرگ در راه مشارکت زنان میباشند. و همچنان این خود راه بی خطر برای تو لید و باز تولید نظام مرد سالار و ادامه بلامانع رسوم ضد انسانی و ضدزن در جامعهٔ ما میباشد. زیرا این زنان اند که فرزندان شان را برای تداوم فرهنگ مرد سالاری تجهیز، آماده و به جامعه تقدیم میکنند. در بسیاری حالات آنچه ظلم، تبعیض ونا روایی را که زنان بالای دختران جوان و عروسان تازه وارد شان روا میدارند مردان آن خانواده ها اصلاً آگاه نیستند. به این استنباط میرسیم که مسئله زنان در افغانستان بیشتر مسئله فرهنگی است که زنان خود علیهٔ آن قیام کنند و این فرهنگ منحط را از ریشه دگرگون سازند.

در سیر تاریخ همانطوریکه در بالا تذکر دادم دیدیم که در جریان تاریخ معاصر کشور ما بنابر ذهنیت حاکم فرهنگ مرد سالاری و عدم مشارکت زنان برای رهایی شان و یا بهتراست بگویم همکاری زنان بر عکس به جانبداری بنیاد گرا های مذهبی و محافظه کاران سنتی تاکنون چند بار جامعهٔ ما را به نابودی کامل کشانیده است و یکی از دلایل اساسی هم همکاری محافظه کارانهٔ زنان وعدم مشارکت سیاسی شان در مدیریت این رویداد ها میباشد.

خوشبختانه در سالهای اخیر زنان قهرمانی در رده های مختلف سیاسی، اداری، فرهنگی و اجتماعی کشور ما قد بلند کرده اند. این زنان قهرمان در برابربنیاد گرایی و همهٔ انواع تبعیض ها ایستاده شده و برای حقوق برابر زنان و زدودن فرهنگ منحط زن ستیز در جامعه به جد و جهد غیر متمرکز پرداخته اند. این ها همچنان از طریق رسانه های اجتماعی وانتر نتی و سیستم «هشتک » امیدواری هایی را برای تشکل های سراسری زنان و از همه مهمتر بیداری زنان جامعهٔ ما ایجاد کرده اند. من با همهٔ گزارشات و دیدگاه های مأیوس کننده ای که از سرتاسر کشور در باره زنان بدست آورده ام نمیتوانم این امید واری ها را در راه آزادی زنان کشور ما از اسارت فرهنگ مرد سالار و مشارکت شان در کلیه امور اجتماع نادیده بگیرم. به نظر من اگر این زنان قهرمان فعالیت های شان را در موافقت و مطابقت کامل با منافع ملی کشور بدون هر نوع لغزش در تعصبات ملی، مذهبی، سیاسی، زبانی و سمتی متمرکز ساخته و از طریق راه اندازی یک گفتمان بزرگ سراسری ملی با سایر گروه ها و ساختار های فعال زنان و پیشگامان نهضت زن در کشور ما طرح یک سازمان سراسری زنان را در کشور بریزند بزرگترین خدمتی است که در راه منافع ملی کشور و آزادی زنان کشور ما انجام

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

میدهند. تفصیل و طُرق عملی این مامول اهم را در خاتمه این رساله در بخش نتیجه گیری ها خواهم توضیح داد.

ناگفته نماند در سالهای بعد از حملهٔ امریکا به افغانستان حکومت تازه بدوران رسیده ساخته و پرداخته امریکا و قشر محافظه کار مذهبی یکعده زنان را منحیث سمبول و نمادی از مشارکت زنان که من مصمم ام در جستار جدا گانهٔ به آن بپردازم دردستگاه اداره دولت و ارگانهای اداره و قانون گذاری نصب کرده اند. این زنان در بسیاری از حالات قوانین مخالف آزادی زن در راستای تبعیض جنسیتی را تصویب میکنند و به آن مهر تأئید میگذارند.

چرا چنین است؟

زیرا عدهٔ زیادی از این زنان که در حقیقت نه به نماینده گی از قشر زن بلکه نماینده گان قشر متعصب مذهبی، قوماندانان و زورمندان مسلح تنظیمی و مافیا های کشور بوده که برای فریب اذهان عامه و شرکای بین المللی افغانستان ازایشان بهره برداری سوء منحیث سمبول های آزادی و مشارکت زن در اداره، اقتصاد و سیاست میکنندکه به هیچوجه نمیتواند نمایانگر وضعیت حقیقی زن در جامعهٔ ما باشد.
پایان قسمت چهل و یکم (ادامه دارد)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ